

**تحلیل پارادایمیک سازه‌های اجتماعی اثرگذار بر عدم موفقیت پروژه‌های توسعه‌ای - روستایی
(مورد مطالعه: پروژه ایستگاه پمپاژ آب روستای پاسار هرسین)**

پریسا مرادیان^۱، فرحناز رستمی^{۲*}، شهپر گراوندی^۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۰۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۰۷

DOI: 10.30495/JISDS.2022.69722.11800

چکیده

در دهه‌های گذشته طرح‌های توسعه‌ای متعددی در کشور اجرا شده است، که یکی از مهم‌ترین این طرح‌ها، طرح توسعه باغات و مطرح شدن شبکه ایستگاه‌های پمپاژ آب می‌باشد. با توجه به این‌که بسیاری از این طرح‌ها با شکست مواجه شده است، پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با استفاده از نظریه زمینه‌ای به آسیب‌شناسی پروژه ایستگاه پمپاژ آب روستای پاسار هرسین پرداخته است. به منظور گردآوری اطلاعات از مصاحبه عمیق، گروه متمرکز و مشاهده مستقیم محقق استفاده شد که تجزیه و تحلیل داده‌ها طی دو مرحله‌ی کدگذاری باز و محوری انجام شد. جامعه مورد مطالعه این پژوهش کارشناسان درگیر در پروژه و بهره‌برداران روستای پاسار هرسین بودند. همچنین در انجام مصاحبه‌ها از تکنیک‌های نمونه‌گیری هدفمند از نوع باز در مرحله اول (مصاحبه با بهره‌برداران و کارشناسان شناخته شده و دارای اطلاعات) و گلوله برفی در مرحله دوم (مصاحبه با افراد معرفی شده از جانب سایر نمونه‌ها) در جهت رسیدن به اشباع نظری و غنای مفهومی بهره گرفته شده است. شکست پروژه موضوع و پدیده‌ی اصلی بود که پژوهشگران در مرور و بازخوانی یادداشت‌های میدانی خود، مکرراً با آن برخورد داشتند. همچنین در این بررسی با بهره‌گیری از مدل پارادایمی شرایط علی (برنامه‌ریزی ضعیف و ناکارآمد، سازماندهی و کارگزینی ضعیف پروژه، عدم آموزش و اطلاع‌دهی به بهره‌برداران، و عدم ثبات مسئولیت و مدیریت)، شرایط زمینه‌ای (پایین بودن سرمایه اجتماعی مردم پاسار، پایین بودن سرمایه انسانی مردم پاسار، نامناسب بودن زیرساخت‌ها و سرمایه طبیعی در روستا، وابستگی مردم محلی به دولت، و نامناسب بودن جو و فضای حاکم در زمان پروژه)، شرایط مداخله‌گر (منفعت‌طلبی مسئولین و قدرتمندان محلی، عدم توجه به تنوع درآمدی در طی اجرای پروژه، عدم تعهد پیمانکار به تعهدات خود، عدم توجه به نیازها، خواسته‌ها و ارزش‌های مردم محلی و طولانی شدن پروژه)، راهبردها و پیامدها مورد واکاوی قرار گرفت.

واژگان کلیدی: توسعه باغات، ایستگاه پمپاژ، نظریه زمینه‌ای، روستای پاسار

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد توسعه روستایی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.
(Email: moradiyanp@yahoo.com)

^۲ استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول).
(Email: fr304@yahoo.com)

^۳ استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.
(Email: sh.geravandi1@gmail.com)

مقدمه

یکی از اصلی‌ترین نهادهای تولید محصولات کشاورزی آب می‌باشد که از جایگاه خاص و مهمی در توسعه پایدار بخش کشاورزی برخوردار است (شاهرودی و چیدری، ۱۳۹۰، ۶۶) طبق شواهد و تحقیق‌های به عمل آمده، تهیه و توزیع آب از جمله پرخرج‌ترین و دشوارترین مسائل عمده هر کشوری است و با توجه به وضعیت خاص جغرافیایی و اقلیم نیمه خشک کشور ما، ضرورت و اهمیت بهینه‌سازی در شبکه‌های انتقال و توزیع آب شرب و کشاورزی کاملاً روشن و آشکار است. اجرای این طرح‌ها به دلیل ضرورت استفاده بهینه از منابع آبی کشور و بهره‌برداری از آن توسط کشاورزان اهمیت ویژه‌ای داشته و در اولویت‌های برنامه‌های اجرایی کشور قرار دارد (حاضری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۵) پروژه‌های ایستگاه پمپاژ آب تأسیس شده در جهت توسعه باغات در کشاورزی، نیز از جمله این برنامه‌هاست که در قالب طرح‌های آبرسانی توسط دولت به مرحله اجرا درآمده است. عمدتاً این طرح‌های آبرسانی و شبکه‌های آبیاری و زهکشی با صرف وقت و هزینه احداث می‌شوند، با این حال، اغلب این شبکه‌ها (ایستگاه‌های پمپاژ آب) علی‌رغم اهداف کاربردی و توسعه‌ای در سطح کشور، با مشکلات و چالش‌های جدی روبرو هستند (رزمی، ۱۳۹۱، ۱۸). لذا بررسی مشکلات پیش‌روی این طرح‌ها که موجب عدم موفقیت آن‌ها می‌شود، ضروری به نظر می‌رسد. از جمله طرح‌هایی که با مشکلات متعدد و در نهایت با شکست روبرو شده است، پروژه ایستگاه پمپاژ روستای پاسار هرسین می‌باشد که این طرح از طرح‌های توسعه باغات کشور بوده است که به منظور استفاده بهینه از منابع آبی و با هدف ایجاد اشتغال و افزایش درآمد روستاییان در سال ۱۳۸۶ از سوی وزارت کشاورزی به تصویب رسید. پروژه ایستگاه پمپاژ آب در روستای پاسار جهت آبیاری ۱۴۰ هکتار باغ اجرا شد که با توجه به دیم بودن بخشی از اراضی پاسار و فراهم بودن آب کافی جهت آبیاری باغات، طرح مذکور می‌توانست با تبدیل اراضی دیم به آبی، مصرف بهینه آب و ایجاد باغ سبب افزایش عملکرد در واحد سطح و به طور کلی افزایش درآمد مردم گردد. اما علی‌رغم تخصیص هزینه‌های هنگفت، طرح مذکور با مشکلات متعددی همراه شده و در نهایت با شکست روبرو گردید. بنابراین با توجه به اهمیت این موضوع و همچنین با توجه به مشکلاتی که شکست این طرح برای اهالی روستای پاسار به وجود آورده، پژوهش حاضر درصدد است تا با نگاهی ژرف‌تر و با استفاده از رویکرد کیفی به بررسی دلایل عدم موفقیت این طرح بپردازد.

مبانی نظری

توسعه روستایی به عنوان راهبردی برای بهبود زندگی اجتماعی-اقتصادی مردم فقیر روستایی در نظر گرفته شده است. از آنجا که هدف اصلی توسعه روستایی کاهش فقر می‌باشد، برنامه‌های توسعه روستایی باید به منظور افزایش تولید، بهبود بهره‌وری، توسعه منابع انسانی و گسترش فرصت‌های اشتغال طراحی شود. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد، برنامه‌های عمران روستایی در ایران، برنامه‌های اقتصادی با جهت‌گیری سیاسی بوده‌اند تا برنامه‌های توسعه‌ای و در نتیجه کمتر موجب تحول ساختاری در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی که لازمه توسعه روستایی است، شده‌اند (ازکیا، ۱۳۸۹: ۶۲). در این راستا مولایی هسجین در تحقیق خود به این نتیجه رسیده است که در برنامه‌ریزی توسعه روستایی، باید سیاست‌های یکسونگری حاکم باشد (مولایی هسجین، ۱۳۹۰، ۳۲). همچنین واکاوی مطالعات موجود حاکی از آن است که اگرچه تاکنون مطالعات متعددی به صورت جداگانه در زمینه‌ی دلایل عدم موفقیت پروژه‌های توسعه روستایی صورت پذیرفته است، اما در خصوص طرح‌های آبرسانی که یکی از مهم‌ترین طرح‌ها توسعه‌ای به شمار می‌آیند، پژوهش‌های کمی صورت گرفته است. با این حال در پژوهش حاضر سعی شده است، در راستای دستیابی به هدف پژوهش، مطالعاتی مورد بررسی قرار گیرند که بیش‌ترین قرابت را با موضوع و اهداف تحقیق دارند. در این راستا نگاهی کوتاه به نتایج چند مورد از پژوهش‌های انجام شده، خواهیم داشت: احسانی و خالدی در مطالعه خود نشان داده که توسعه فیزیکی یا مدیریت نظام آبیاری بدون توجه به نقش بهره‌برداران محلی نهایتاً به شکست منجر می‌شود و نتایج منفی خواهد

داشت (احسانی و خالدی، ۱۳۸۶: ۵۹). در همین راستا یرکان در مطالعه‌ای، مشکلاتی که در اجرای طرح‌های مدیریت مشارکتی آبیاری در ترکیه وجود دارد را بررسی کرده وی نتیجه می‌گیرد کشاورزان ترجیح می‌دهند که طرح‌های مدیریت آب از کنترل ایالت به کنترل کشاورزان تغییر پیدا کند (Yaracan, 2003:210). این در حالی است که بوراک اذعان می‌دارد که برخورداری از حمایت‌های فنی دولت به خصوص برای بهره‌برداران کوچک بسیار ضروری است، چرا که آن‌ها با چالش‌های زیادی در زمینه تأمین هزینه سیستم‌های آبیاری نوین مواجه هستند (Burak, 1999:50). برخی پژوهشگران دلایل شکست انتقال مسئولیت آبیاری به کشاورزان را بررسی کرده‌اند، از جمله این دلایل می‌توان به عدم وجود سرمایه اجتماعی (Kadirbu & Ozertan, 2011:102; Facon, 2006:40)، فقدان مهارت‌های فنی کشاورزان، درگیری و اختلافات محلی، عدم حمایت سیاسی و هزینه‌های تعمیر و نگهداری (Regner, 2012:60). عدم فراهم سازی آموزش‌های لازم برای کشاورزان در خصوص مدیریت آبیاری از مشکلات مهم در زمینه موفقیت مدیریت آب می‌باشد (Regner et.al, 2006:60) در همین راستا مطالعه مری و همکاران نشان داد، علاوه بر اینکه آموزش کشاورزان مهم‌ترین عامل در موفقیت مدیریت آبیاری است، عدم اطمینان کشاورزان از دریافت آب مورد نیاز در فصل زراعی، علت اصلی عدم مشارکت کشاورزان در پروژه‌های آبیاری است (Merry et al, 2007:72). اجتماعات انسانی معمولاً با یکدیگر تعامل و رفتار متقابل دارند. نیاز به همکاری با دیگران و مشارکت در عرصه‌های مختلف و پذیرش مسئولیت اجتماعی دارند؛ هر چه مشارکت بالا رود توسعه یافتگی بیشتر می‌شود (مهدوی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۳۵). برخی دیگر از پژوهشگران از جمله (Gazona et al, 2009:290)، بیان می‌کنند، مهم‌ترین دلیل استفاده بیش از حد آب توسط کشاورزان در یک دوره آبیاری عدم قطعیت در برنامه‌ریزی توزیع آب می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت آموزش و عوامل مدیریتی مانند توزیع به موقع و عادلانه آب امری مؤثر می‌باشد. در مطالعه‌ای دیگر پلانسونی با پژوهش بر روی بر روی سیستم‌های آبیاری هندوستان نتیجه می‌گیرد که استراتژی‌های نرم‌افزاری از قبیل مدیریت مهم‌تر از استراتژی‌های سخت‌افزاری مانند سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی می‌باشد (Planisawmi, 2006:37). در همین راستا بیلاق چغاخور در پژوهش خود نتیجه می‌گیرد که کارایی بهینه مدیریت آبیاری و کشاورزی وابسته به عملکرد مدیریتی تشکلهای آب‌بران است (بیلاق چغاخور، ۱۳۹۹، ۵۲۱) منتظر و حیدریان از تحقیق خود نتیجه می‌گیرند مشکلات مدیریتی شبکه‌های آبیاری سفید رود، دز، قزوین و ورامین عبارتند از: بی‌اعتمادی کشاورزان به برنامه‌های دولتی و عدم اعتماد و پذیرش مسئولیت با توجه به عملکرد نامناسب نهادهای محلی در سال‌های اخیر، کوچک بودن قطعات اراضی، عدم هماهنگی متولیان آب و زمین با یکدیگر و با بهره‌برداران، بی‌برنامه‌گی دولت در حمایت از روستا و روستایی، مشکلات فنی سازه‌ها و تاسیسات آبرسانی و آبیاری، هزینه‌های سنگین نگهداری و بهره‌برداری (منتظر و حیدریان، ۱۳۸۱: ۱۸۱). همچنین در نتایج مطالعه یعقوبی مهم‌ترین مسائل و مشکلات بهره‌برداری از ایستگاه پمپاژ آب ماهنشان مشخص گردیدند که عبارتند از: الگوی نامناسب سازمان‌دهی و بهره‌برداری از ایستگاه، سوختن و هزینه مکرر پمپ‌ها و هزینه بالای تعمیر آن‌ها، غالب بودن جنبه تفریحی باغداری و تنوع زیاد باغداران، سنتی بودن روش‌های انتقال آب و آبیاری، پایین بودن روحیه مشارکت در منطقه و بی‌اعتمادی در روابط بین فردی و گروهی، نهادینه شدن وابستگی و اتکا به حمایت دولتی و مشکلات ساختاری و معیشتی (یعقوبی، ۱۳۹۲: ۳۰۲). در مطالعه‌ای دیگر به ارزیابی اثر طرح آبخیزداری حوزه آبخیزکن پرداخته شد که دلایل عمده کارایی پایین طرح عبارت بودند از: تمرکز عملیات بر اجرای عملیات مکانیکی، ضعف در نظارت و ارزیابی پروژه طی همه مراحل اجرای آن، رعایت نکردن استانداردها و نکات فنی مانند منطبق نبودن مکان‌های سازه‌های ساخته شده و مکان‌های پیشنهاد شده، رعایت نکردن استانداردهای لازم در ساخت سازه‌ها و نامناسب بودن ابعاد سازه‌ها (غفاری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۲) به طور کلی، مرور بر پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که اگر چه موانع و عوامل عدم موفقیت طرح‌های آبرسانی تا حدود زیادی مرتبط و اغلب با هم درآمیخته‌اند، با این حال پروژه ایستگاه پمپاژ آب روستای پاسارمکن است با موانع و مشکلات خاص خود مواجه باشد که مستلزم تحلیل و بررسی جداگانه‌ای می‌باشد. بر این اساس پژوهش حاضر با رویکردی کیفی سعی در شناسایی چالش‌ها و مشکلات پروژه مذکور دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از منظر پارادایم تحقیق، جزو تحقیقات کیفی است و با رویکرد آسیب شناسانه انجام شده است. در این پژوهش، از روش نظریه پردازی بنیانی و شیوه مصاحبه کیفی و عمیق نیمه ساختارمند برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات استفاده شده است. جامعه مورد مطالعه این تحقیق را کارشناسان درگیر در پروژه و بهره‌برداران روستای پاسار تشکیل داده است. در انجام مصاحبه‌ها که به طور میانگین از ۲۵ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید، از تکنیک‌های نمونه‌گیری هدفمند از نوع بارز در مرحله اول (مصاحبه با بهره‌برداران و کارشناسان شناخته شده و دارای اطلاعات) و گلوله برفی در مرحله دوم (مصاحبه با افراد معرفی شده از جانب سایر نمونه‌ها) در جهت رسیدن به اشباع نظری و غنای مفهومی بهره گرفته شده است. اندازه نمونه و فرایند گردآوری اطلاعات تا سطح اشباع نظری یا آستانه سودمندی اطلاعات قابل دسترس ادامه یافت. بدین منظور ۲۰ نمونه مورد مصاحبه قرار گرفته است. در این بین ۱۲ نفر از مصاحبه شونده‌گان را بهره‌برداران و ۸ نفر را کارشناسان درگیر طرح تشکیل دادند. به منظور رسیدن به روایی و پایایی لازم، افزون بر گزینش هدفمند نمونه‌ها برای مصاحبه همراه با تدوین پروتکل برای روش‌مند کردن مراحل کار، هدف نهایی پژوهش نیز با نمونه‌ها در میان گذاشته شد و پرسش‌ها و محورهای مصاحبه در اختیار آن‌ها قرار گرفت. در طول مصاحبه نیز تلاش شد تا با طرح مفاهیم و مصادیق مرتبط با پرسش‌های محوری، زمینه برای هدایت جریان گفت‌وگو به مسیر مورد نظر فراهم شود تا از طرح پرسش‌های سطحی و غیر ضروری پرهیز گردد. بدین ترتیب، روند مصاحبه و جمع‌بندی دیدگاه‌ها در مسیر تعیین شده حفظ گردید و درکی کلی از محورهای بحث به دست آمد. از دیگر تدابیر می‌توان به این موارد اشاره کرد: طرح شفاف و صریح پرسش‌ها، انجام مصاحبه در شرایط مناسب برای پاسخگویان، بازنگری اولیه و تکرار مصاحبه در موارد معین، تنوع بخشی به پرسش‌های مطرح شده، اطمینان بخشی به مصاحبه شونده‌گان درباره محرمانه ماندن و امانت‌داری در قبال اطلاعات ارائه شده، و مشارکت‌دهی آن‌ها در جمع‌بندی دیدگاه‌های ارائه شده به منظور نزدیک ساختن برداشت‌های متقابل. علاوه بر موارد ذکر شده ۲ گروه متمرکز ۶ و ۷ نفر از بهره‌برداران تشکیل شد و در آن بهره‌برداران به تبادل نظر در خصوص دلایل شکست پروژه پرداختند. یادداشت‌ها به شیوه یادداشت‌برداری حاشیه‌ای تنظیم و در کنار سایر داده‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق در قالب دو مرحله کدگذاری باز و محوری تحلیل شد. در پژوهش حاضر پس از مرور داده‌ها، جمله‌های دربرگیرنده عوامل و زمینه‌های شکست پروژه ایستگاه پمپاژ استخراج و مفاهیم مشابه با یک کد مشترک در قالب کدبندی گردید.

بحث و یافته‌ها

مطابق فرایند روش‌شناختی که شرح داده شد، طی دو مرحله کدگذاری، نخست از دل مصاحبه‌های اولیه، کدهای مرتبط با موضوع مشخص شدند، سپس به شیوه‌ی مقایسه‌ی مداوم از دل چندین کد، یک مفهوم استخراج شد و به همین شیوه سایر کدها نیز به مفاهیم تبدیل شدند تا در نهایت ۶۱ مفهوم به دست آمد. در ادامه‌ی جریان کدگذاری باز، مفاهیم بدست آمده با دقت مورد بررسی قرار گرفتند و از جهت شباهت‌ها و تفاوت‌ها با یکدیگر مقایسه شدند، در نتیجه مفاهیمی که ماهیت یکسان داشتند، یا از لحاظ معنا به هم مربوط می‌شدند، ذیل مفهوم‌های مشترک که «مقوله» نامیده می‌شوند، قرار گرفتند. سپس از بین مقوله‌های استخراج شده، یک مقوله به عنوان مقوله‌ی مرکزی (هسته‌ای) ظاهر شد تا در کنار ۲۳ مورد دیگر، اجزای نظریه‌ی زمینه‌ای به دست آمده از پژوهش را تشکیل دهند (جدول شماره ۱). سپس در ادامه از آنجا که عمل مرتبط کردن مقوله‌های اصلی با فرعی در فرآیند کدگذاری محوری کاری پیچیده و دشوار بود، پژوهشگران در این مطالعه برای مرتب کردن و سامان دادن به ارتباطاتی که پدیدار می‌شدند، از مدل پارادایمی بهره گرفتند. بدین طریق با مشخص کردن ویژگی‌ها و ابعاد و شناسایی الگوها، شالوده و ساختار اولیه‌ی مدل پارادایمی مهیا گردید. اجزای تشکیل دهنده‌ی پارادایم در این مطالعه شامل پدیده، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها می‌باشد.

جدول ۱- مفهوم‌ها و مقوله‌های استخراج شده

ردیف	مفهوم	مقوله	دسته		
۱	شکست پروژه ایستگاه پمپاژ آب		مقوله‌ی مرکزی		
۲	اعتیاد به مواد مخدر در بین روستاییان	پایین بودن سرمایه اجتماعی منطقه	شرایط زمینه‌ای		
۳	از بین رفتن مالکیت خصوصی و ایجاد مالکیت اشتراکی				
۴	ضعف روحیه مسئولیت‌پذیری				
۵	عدم احساس مالکیت و مسئولیت اهالی نسبت به طرح				
۶	پایین بودن روحیه مشارکت در منطقه				
۷	صادق نبودن برخی از اهالی				
۸	بی‌اعتمادی در روابط بین فردی و گروهی در روستا				
۹	پایین بودن سطح فرهنگ عمومی				
۱۰	نادیده گرفتن پیشینه فرهنگی اجتماعی مردم (تنش‌های اجتماعی و اختلافات طایفه‌ای)				
۱۱	عدم وجود روحیه انسجام اجتماعی				
۱۲	بی‌میلی و عدم رغبت در کشاورزان نسبت به توسعه و آبادانی در روستا			پایین بودن سرمایه انسانی منطقه	شرایط زمینه‌ای
۱۳	عدم توجه مردم به باغداری به عنوان یک منبع معیشتی				
۱۴	پایین بودن روحیه و فرهنگ کار و تلاش در بین مردم روستا				
۱۵	نداشتن تجربه در باغداری				
۱۶	قطعه قطعه بودن و عدم تسطیح اراضی				
۱۷	بالا بودن تعداد بهره بردار نسبت به اراضی طرح				
۱۸	عدم رسیدگی به باغات به علت سایر مشغله‌های کاری				
۱۹	مشکلات مالی پروژه به دلیل افزایش و ثابت نبودن نرخ تورم				
۲۰	مشکلات بودجه‌بندی پروژه به دلیل عدم وجود شفافیت لازم در خصوص هزینه واقعی اجرای پروژه				
۲۱	تحریم اقتصادی ایران				
۲۲	مشکلات بودجه‌بندی و اعطای اعتبارات بلندمدت دولتی				
۲۳	کمبود بودجه				
۲۴	جناح‌بازی سیاسی و رانت‌خواری اقتصادی				
۲۵	عدم نگرش سیستماتیک و جامع در طرح‌های توسعه آبیاری				
۲۶	عدم باور مردم محلی به توانایی‌های مدیریتی خود	وابستگی و اتکا مردم محلی به حمایت دولت			
۲۷	عدم اعتماد مردم منطقه به نیروهای خود و وابستگی به نیروهای دولتی				
۲۸	عدم پیش بینی امکانات و خدمات لازم پس از اتمام پروژه	برنامه‌ریزی ضعیف و ناکارآمد	شرایط علی		
۲۹	عدم توجه به بازه زمانی مناسب برای شروع اقدامات در پروژه				
۳۰	دیدگاه بخشی در سیاستگذاری و اجرای پروژه و در نتیجه عدم هماهنگی بین سازمان‌های ذی ربط				
۳۱	برنامه‌ریزی از بالا به پایین				
۳۲	عدم وجود برنامه جامع و هماهنگ				
۳۳	نداشتن برنامه مناسب جهت یکپارچه‌سازی قبل از اجرای طرح				

ردیف	مفهوم	مقوله	دسته
۳۴	استفاده از کارشناسان و مشاوران ناکارآمد و غیرمتخصص در پروژه	سازماندهی و	شرایط علی
۳۵	نداشتن معیار مناسب و توزیع متناسب افراد درگیر پروژه از بین اهالی روستا	کارگزینی ضعیف پروژه	
۳۶	تغییر بی در پی مسئولین و نبود ثبات مدیریتی	عدم ثبات مسئولیت	
۳۷	اختلال در مسئولیت‌های مدیریتی و کاری مسئولین	و مدیریت	
۳۸	اطلاعات و آگاهی کم بهره برداران از اهداف پروژه	عدم آموزش و	
۳۹	عدم اطلاع‌رسانی و آموزش بهره‌برداران نسبت به مسائل فنی پروژه	اطلاع‌دهی به	
۴۰	صوری بودن برنامه‌های آموزشی	بهره‌برداران	
۴۱	ریسک‌های قیمتی و عدم ثبات درآمد باغداری	عدم توجه به تنوع	شرایط مداخله‌گر
۴۲	طولانی بودن زمان برگشت سرمایه در باغداری نسبت به زراعت و در نتیجه مشکلات درآمدی و مالی مردم	درآمدی در طی اجرای طرح	
۴۳	کمبود نقدینگی و ضعف مالی مردم در تأمین بخشی از هزینه‌ها		
۴۴	تبعیض فردی و طایفه‌ای مسئولین نسبت به بهره‌برداران	عدم توجه به روابط انسانی در طرح	
۴۵	عدم اعتماد و احترام متقابل بین کارشناسان و بهره‌برداران		
۴۶	عدم کارایی سیستم‌های راه‌اندازی شده به علت نامرغوب و بی کیفیت بودن تاسیسات	متعهد نبودن پیمانکار	
۴۷	عدم وجدان کاری پیمانکار	به تعهدات خود	
۴۸	عدم کارایی تاسیسات راه‌اندازی شده به علت ضعف اصول فنی و مهندسی در اجرا		
۴۹	از بین رفتن موضوعیت پروژه به دلیل طولانی شدن زمان اجرای آن و مدیریت ضعیف زمانی اجرای پروژه	طولانی شدن زمان اجرای پروژه	
۵۰	طولانی شدن مدت اجرای پروژه و ناامید شدن مردم		
۵۱	عدم تمایل اهالی روستا به ادامه همکاری با توجه به زمانبر بودن فرایند		
۵۲	نگاه از بالا به پایین و حس برتری داشتن مسئولین نسبت به بهره‌برداران	عدم توجه به نیازها، ارزش‌ها و خواسته‌های مردم محلی	
۵۳	عدم توجه به دانش بومی محلی		
۵۴	عدم پاسخگویی و رسیدگی به شکایات مردم محلی		
۵۵	تغییر تیم مشاور		راهبردها
۵۶	تغییر کادر اجرایی پروژه		
۵۷	تغییر الگوی پروژه از باغداری به باغداری و زراعت		
۵۸	برگزاری جلسات همفکری با مردم پاسار		
۵۹	تغییر دیدگاه و خوش بینی مردم در قبال احیای پروژه		پیامدها
۶۰	تغییر دیدگاه مسئولین نسبت به مطالعات امکان سنجی قبل از اجرای طرح		



شکل ۱- مدل پارادایمی پژوهش

ترسیم: نگارندگان ۱۳۹۹

بر اساس نتایج حاصل از بررسی مفاهیم و مقولات به دست آمده و اظهارات مشارکت کنندگان در پژوهش، مقوله‌ی مرکزی شکست پروژه انتخاب شد. بهره‌برداران روستای پاسار به شدت از شکست پروژه ایستگاه پمپاژ آزرده خاطر بودند و با عبارات مختلف این معضل را بیان می‌کردند "چقدر برای این پمپاژ آب، پول خرج کردند آخرشم سر نیاورد کاش پولی که برای پروژه خرج کردند به خودمان می‌دادند، وضع زندگیمان خیلی خوب می‌شد".

شرایط علی مربوط به پدیده شکست

شرایط علی که بهره‌برداران روستای پاسار و کارشناسان مورد مطالعه، آن را موجب شکست پروژه ایستگاه پمپاژ می‌دانستند، برنامه‌ریزی ضعیف و ناکارآمد، سازماندهی ضعیف پروژه، عدم آموزش و اطلاع‌دهی به بهره‌برداران، و عدم ثبات مسئولیت و مدیریت بود. یکی از عوامل اصلی تأثیر گذار بر شکست پروژه، برنامه‌ریزی ضعیف می‌باشد، که مورد تأکید کارشناسان بود و همچنین برخی از بهره‌برداران که از تحصیلات بالاتری برخوردار بودند، به این عامل اشاره کردند. برنامه‌ریزی امر بسیار مهمی در اجرای تمامی طرح‌ها و برنامه‌ها می‌باشد. بر اساس یافته‌های به دست آمده بی‌برنامه‌گی در پروژه به وضوح دیده می‌شده است. یکی از کارشناسان جهاد کشاورزی در این زمینه معتقد بود "خیلی ناهماهنگی وجود داشت اقدامات مسئولین شهرستان با آنچه بالا می‌خواستند هماهنگی نداشت".

سازماندهی ضعیف پروژه یکی دیگر از علل اصلی شکست پروژه بود، بهره‌برداران در این زمینه بیان می‌کردند "هیچ معیاری برای انتخاب اهالی روستا برای کار در پروژه نداشتند، مسئولان رفته بودند خانه یکی از اهالی برایشان کباب درست کرده بود،

اوناهم داداششو برا مکانیک تراکتورها و ماشینا به کار بردند". در کنار این عامل انتخاب نامناسب نمایندگان در تعاونی، مشکلات را تشدید کرده بود.

عدم آموزش و اطلاع‌دهی به بهره‌برداران یکی دیگر از علت‌های اصلی شکست پروژه ایستگاه پمپاژ بود. بنابر گفته‌ی کارشناسان "آموزش مفید که برای اهالی مناسب باشه و به دردشون بخوره تو کار ما نبود با اینکه کارگاه آموزشی برگزار کردیم ، کلاس ترویجی گذاشتیم ولی بیشترشان صوری بودند این موارد موجب شده بود که مردم توجه نشوند و این عدم توجه باعث بروز مشکلات شد و به عنوان موانع در برابر پیشبرد اهداف قرار گرفتند". عدم ثبات مسئولیت و مدیریت یکی دیگر از عوامل اصلی در شکست پروژه بوده است. بهره‌برداران از وضعیت مدیریت در زمان پروژه بسیار ناراضی بودند و اعتقاد داشتند بیشتر علت شکست به سبب مدیریت ضعیف بوده است. طبق اظهارات مشارکت‌کنندگان، مدیریت بسیار ضعیف و غیر اصولی بوده و تغییرات مداوم در منصب مدیریت مانع به کارگیری تدبیر مناسب در جهت رسیدن به اهداف پروژه شده است.

شرایط مداخله گر

از جمله شرایط مداخله‌گری که در شکست پروژه نقش داشته‌اند می‌توان به منفعت‌طلبی مسئولان و قدرتمندان محلی، عدم توجه به تنوع درآمدی در طی اجرای طرح، بی‌توجهی به نیازها، خواسته‌ها و ارزش‌های مردم محلی، متعهد نبودن پیمانکار به تعهدات خود، و طولانی شدن پروژه، اشاره کرد. به عنوان مثال یکی از شرایط مداخله‌گر که باعث شکست پروژه شده است منفعت‌طلبی مسئولین و قدرتمندان محلی می‌باشد. بنابر گفته‌های بهره‌برداران و کارشناسان "در پاسار افراد قدرتمندی وجود دارند که تمایلی به پیشرفت روستا ندارند چون اگر روستا پیشرفت کند این قدرتمندان نمی‌توانند بر مردم سلطه کنند". بنابراین حضور قدرتمندان محلی در کنار منفعت‌طلبی مسئولان که این دو گروه جز به منفعت خود به چیز دیگری فکر نمی‌کردند به عنوان عاملی مهم در ناکامی پروژه بوده است.

شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای که در شکست پروژه نقش داشته‌اند عبارتند از: پایین بودن سرمایه اجتماعی مردم پاسار، پایین بودن سرمایه انسانی مردم پاسار، نامناسب بودن زیرساخت‌ها و سرمایه طبیعی در روستا، وابستگی مردم محلی به دولت، نامناسب بودن جو و فضای حاکم در زمان پروژه.

پایین بودن سرمایه اجتماعی عاملی است که نسبت به سایر عوامل زمینه‌ای نقش بیشتری در شکست پروژه ایفا کرده است. بنابر یافته‌های پژوهش پایین بودن سطح فرهنگ عمومی یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی می‌باشد که بهره‌برداری در این باره معتقد بود "فرهنگ مردم روستای ما خیلی کمه، اگه این طرح تو جای دیگه بود خیلی خوبتر از ما ازش استفاده می‌کردند" تعصبات طایفه‌ای یکی دیگر از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی می‌باشد؛ بافت اجتماعی مبتنی بر طایفه و طایفه‌گرایی موجود در روستا، بروز اختلاف بر سر مسائل خانوادگی و حیثیتی، نزاع بر سر زمین و غیره، موضوعاتی بودند که موجب درگیری شده بودند، که در هر صورت شکست پروژه را تشدید می‌کردند.

راهبردها و پیامدها

اما در قبال شکست پروژه ایستگاه پمپاژ، مسئولین بعد از گذشت مدت زمانی از شکست پروژه و آرام شدن محیط روستا، در قبال این پدیده عکس‌العمل نشان دادند و اقداماتی انجام دادند. یکی از اقدامات مسئولین تغییر تیم مشاور طرح بود، در کنار تغییر مشاور، تیم اجرایی نیز تغییر پیدا کرده است. از جمله این تغییرات می‌توان به بکارگیری پیمانکاران و مسئولین باتخصص اشاره کرد. تغییر الگوی

طراحی از سیستم باغداری به الگوی تلفیقی باغداری و زراعی از اقدامات دیگر مسئولین در قبال شکست پروژه بوده است. در نهایت آخرین اقدام مسئولین برگزاری جلسات همفکری با مردم پاسار بوده است، که انجام این اقدامات سبب شکل‌گیری پیامدهایی شده، که قابل پیش‌بینی بودند. از جمله این پیامدها تغییر دیدگاه و خوش‌بینی اهالی پاسار نسبت به احیا مجدد پروژه می‌باشد. بنابر مصاحبه‌های به عمل آمده تقریباً تمامی مردم نسبت به تلفیقی شدن باغداری و زراعت رضایت داشتند و احساس خرسندی می‌کردند. پیامد دیگری که تقریباً قابل انتظار بود؛ تغییر دیدگاه مسئولین نسبت به انجام مطالعات امکان‌سنجی قبل از اجرای طرح می‌باشد.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که یکی از عوامل اصلی که در شکست پروژه نقش داشته است؛ عدم آموزش و اطلاع‌دهی به بهره‌برداران می‌باشد. با توجه به مصاحبه‌های به عمل آمده اکثر کشاورزان روستای پاسار نسبت به شیوه‌های مدرن آبیاری کم تجربه بوده‌اند و از اهداف پروژه اطلاع دقیق نداشتند. این در حالی است که کلاس‌های ترویجی هم برگزار شده است اما شواهد حاکی از غیر مفید بودن این کلاس‌ها می‌باشد. لذا با توجه به این یافته‌ها می‌توان اظهار نمود که یکی از عوامل مؤثر در طرح شبکه‌های آبیاری، فعالیت‌های آموزشی ترویجی می‌باشد. این فعالیت‌ها در موضوعات مرتبط با شبکه‌های آبیاری سبب افزایش دانش و نگرش کشاورزان شده و دیدگاه آنان را نسبت به مراحل طراحی و مطالعاتی، تصمیم‌گیری، اجرا و بهره‌برداری و نگهداری از شبکه‌ها مثبت می‌نماید، که این امر سبب مشارکت آنان در برنامه‌های مربوطه خواهد بود. در واقع اگر بهره‌برداران در دوره‌های آموزشی بیشتری شرکت نمایند یا سازمان جهاد کشاورزی دوره‌های بیشتری ارائه کنند، بهره‌برداران از طریق این دوره‌ها آگاهی و دانش عملی خود را افزایش می‌دهند و به تبع خودکارآمدی خود را در نگهداری و استفاده درست از شبکه تقویت می‌کنند و لذا کاهش هزینه را به دنبال خواهد داشت، از این رو دادن آموزش‌های لازم به کشاورزان برای افزایش سطح آگاهی، شناخت و افزایش مهارت‌های فنی در آن‌ها ضرورت دارد که رگنر (۲۰۰۶)، مری و همکاران (۲۰۰۷)، در پژوهش‌های خود بر آن تأکید داشتند. متأسفانه امروزه در بسیاری از طرح‌های توسعه‌ای مسئولان مربوطه بر ابعاد اقتصادی طرح‌ها متمرکز می‌شوند و سایر ابعاد معمولاً نادیده انگاشته می‌شوند. بر اساس نتایج به دست آمده از مصاحبه‌های اهالی و کارشناسان مربوطه ملاحظه می‌شود که مسئولین در طرح ایستگاه پمپاژ روستای پاسار نیز به این ترتیب عمل کرده‌اند، مسئولین نسبت به روستای مورد مطالعه و ابعاد اجتماعی، فرهنگی و ساختاری آن اطلاعات جامعی نداشته‌اند. در همین راستا پایین بودن سرمایه اجتماعی مردم روستا پاسار یکی از عواملی است که در شکست پروژه نقش داشته است. این یافته‌ها باتنایح فاکون (۲۰۰۲)، کادیر بیو گلاو و اوزارتان (۲۰۱۱)، منتظر و حیدریان (۱۳۸۱)، همسویی دارد. همچنین نامناسب بودن زیرساخت‌ها و سرمایه طبیعی روستا عامل دیگری است که غفلت از آن سبب شکست پروژه شده است، اراضی روستای پاسار به صورت قطعات کوچک و پراکنده هستند. این پراکندگی اراضی خود مانعی برای پیشبرد اهداف طرح بوده است که منتظر و حیدریان (۱۳۸۱)، یعقوبی (۱۳۹۲) در مطالعات خود به این نتایج دست یافتند. علاوه بر موارد مذکور وابستگی مردم محلی به دولت نیز در نرسیدن طرح به اهدافش دخیل بوده است. کارشناسان در این زمینه معتقد بودند "مردم عادت کرده‌اند که دولت همه کارها را انجام بده" نتایج مطالعات یرکان (۲۰۰۳)، پلانسواری (۲۰۰۶)، مؤید این مطالب است. اما با نتایج بوراک (۱۹۹۹) همخوانی ندارد. به طوری که وی در مطالعات خود اذعان دارد که برخورداری از حمایت‌های دولت به خصوص برای بهره‌برداران کوچک ضروری می‌باشد. این اختلاف نتایج ممکن است به دلیل جامعه آماری متفاوت و در نتیجه بافت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متفاوت باشد.

منابع

- احسانی، مهرداد. خالدی، هومن. (۱۳۸۲). شناخت و ارتقای بهره‌وری آب کشاورزی به منظور تأمین امنیت آبی و غذایی کشور. چاپ اول. تهران. کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. ص ۵۶-۶۸. <https://civilica.com/doc/10109/>

- از کیا، مصطفی. (۱۳۸۹). تجارب توسعه روستایی در ایران و دستیابی به توسعه پایدار روستایی «
- حاضری، آتنا، قبادیان، رسول، فاطمی، سیداحسان. (۱۳۹۵). محسبات فشار ناشی از ضربه قوچ در سیستم آبیاری بارانی با مدل ریاضی، کنگره بین‌المللی مهندسی و توسعه تکنولوژی، دانشگاه تبریز. ۱۲۵-۱۱۴. <https://civilica.com/doc/575438>
- غفاری، گلاره، احمدی، حسن، بهمنی، امید، نظری سامانی، علی اکبر. (۱۳۹۴). ارزیابی اثر طرح آبخیزداری حوزه آبخیزکن بر میزان فرسایش. نشریه: مرتع و آبخیزداری، دوره ۶۸، شماره ۳، ص ۱۸۰-۱۶۹. https://jrwm.ut.ac.ir/article_61974.html
- شاهرودی، ع. و چیدری، م. (۱۳۸۷). عوامل تاثیر گذار بر مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه های آبیاری : مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی، ۶۳-۷۵. <https://getjson.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=9688>
- رزمی، م، (۱۳۸۹) بهینه‌سازی مصرف آب کشاورزی، سازمان کشاورزی آذربایجان شرقی، ش ۹۴، ص ۱۹-۱. <https://en.civilica.com/doc/1061555>
- مهدوی، صدیقه، صحنه، بهمن، نجفی کانی، علی اکبر (۱۳۹۹). تحلیلی بر چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی توسعه یافتگی پایدار روستاهای نواحی کوهستانی و جلگه‌ای شهرستان گرگان، فصلنامه جغرافیا و توسعه، ش ۶۱، ص ۱۴۲-۱۱۵. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1719414>
- مولایی هاشجین، نصرالله. (۱۳۹۰) تحلیل جغرافیایی از امکانات و تنگناهای توسعه روستایی در ناحیه خلخال فصلنامه فضای جغرافیایی، ص ۴۰-۲۱. <https://www.sid.ir/Fa/Journal/Supporting.aspx?ID=162180>
- یعقوبی، جعفر (۱۳۹۲). بررسی علل نارسایی‌ها و مشکلات موجود در بهره‌برداری از شبکه‌های فرعی آبیاری و زهکشی در اراضی کشت و صنعت مغان. هفتمین سمینار کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. ص ۳۰۵-۲۹۹. <https://civilica.com/doc/9966/>
- ییلاق چغاخورر، حمید، کرمی، علی (۱۳۹۸). ارزیابی کارایی آبیاری و مدیریت کشاورزی سازمان‌های آب استان خوزستان. مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران. شماره ۳ صفحات ۵۱۵-۵۳۰. <https://iranjournals.nlai.ir/handle/123456789/346596>
- Burak, S (1999). Participatory Irrigation managment activitiesn and water user organizations involvement in turkey. Mediteranean commicion for sustainable Development, Turkey. 47-66. <https://www.researchgate.net/publication/333814806>
- Facon, T. (2002). Improving the irrigation service to farmers: a key issue in participatory irrigation managment. Report of the APO Seminar on Organizational Change for Participatiry irrigation Manangment, Philippens, 1-57. <https://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.474.8537>
- Ghazonai, W., Merlet, S., Mekki, I. & Vidal, A. (2009). Farmers percepcions and engineering approach in the modernization of a community-mnaged irrigation scheme. A case study from an oasis of the Nnefzawa. Irrigation and Drange, 285-296. <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/epdf/10.1002/ird.528>
- Kadirbu Z. & Özertan. G. (2011). Users' perceptions of water user associations: Evidence from three cases in Turkey. Working Paper 2011-1. Istanbul: Boğaziçi University Department of Economics,98-110. <http://ideas.econ.boun.edu.tr/RePEc/pdf/201101.pdf>
- Palanisami, K. (2006). Sustainable management of tank irrigation systems in India. *Journal of developments in sustainable agriculture*, 1(1), 34-40. https://www.jstage.jst.go.jp/article/jdsa/1/1/1_1_34/_pdf
- Montazer, A. A. & Heidarian, A. A. (2001). The Participatory approach to the Integraeted Watershed managment. Hnternational commission on irrigation and drainage. First Asian Reginal Conference. Seoul.179-191. https://jrur.ut.ac.ir/m/article_67927
- Merry,D. J., Meinzen-Dick. R., Mollinga, P. P & Karar, E.(2007). Palicy and institutional reforms: the art of the possible. Chapter 5 in david Mlden. Water for Food, Water for life: A comperhenshve Assessment of Water Manangment in Agricultural.68-79. https://www.academia.edu/880337/Water_Availability_and_Its_Use_in_Agriculture
- Regner, N.,(2012). Evalvacija usposabljanja zaposlenih: diplomsko delo (Doctoral dissertation, N Regner).54-67. <https://revis.openscience.si/IzpisGradiva.php?id=7003&lang=eng>
- Yercan,M(. 2003). Manangment turn-over and participatory managment of irrigation schemes: a cace study of the Gediz River Basin in Turkey. *Agricultural Water Manangment*62(3): 205-214. <https://ideas.repec.org › agiwat › v62y2003i3p205-21>

Paradigmatic analysis of social structures affecting the failure of development projects (Case of Study: Water Pumping Station Project in Pasar Village, Hersin)

Parisa Moradian¹

Master's degree in rural development, Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Razi University of Kermanshah, Kermanshah, Iran

Farahnaz Rostami^{2*}

Assistant Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Razi University Kermanshah, Kermanshah, Iran n (corresponding author)

Shaper Gravandi³

Assistant Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Razi University Kermanshah, Kermanshah, Iran

Abstract: *In the past decades, several development schemes have been implemented in the country, one of the most important projects, the development plan of orchards and the network of pumping stations for water. Due to the fact that many of these schemes have failed, the present study was conducted with qualitative approach using a grounded theory to the pathology of the project of the water pumping station of Harsin Pasar village. Data were collected using a deep interview, focus group and direct observation of the researcher, which analyzed the data in two stages of open and axial coding. The study population comprised this research expert involved in the project and the exploitation of Pasar village. snowball in the second stage to achieve theoretical saturation and conceptual richness of interest. The failure of the project was the main issue and phenomenon that researchers had repeatedly dealt with in reviewing and refreshing their field notes. Also, in this study, using the Parpostpaid model of Ali conditions (poor and inefficient planning, organization and poor recruiter of the project, etc.) , The underlying conditions (low social capital of Pasar people, low human capital, pasar people, inappropriate infrastructures and natural capital in the village, the dependence of locals to the state, and...) , The intervention conditions (the benefit of local authorities and powerful, lack of attention to the diversity of income during the implementation of the project, the contractor's commitment to their obligations, the lack of attention to the needs, demands and values of the local population and the prolongation of the project), Strategies (changing the Advisory team, changing the executive team and using the experienced staff, The change of design pattern from gardening to horticulture and agriculture compilation pattern and the consequences were analyzed.*

Keywords: : garden development, pumping station, field theory, Pasar village, water resources.

¹ Email: moradiyanp@yahoo.com

² Email: fr304@yahoo.com (Corresponding Author)

³ Email: sh.geravandi1@gmail.com